



نشریه انجمن علمی دانشجویی علم اطلاعات و دانش‌شناسی
دانشگاه الزهراء (س)
سال بیستم، شماره ۸۷، بهار ۱۳۹۹
بها: ۱۵۰۰ تومان
ISSN: ۳۳۹۴-۱۷۳۵



ویژه‌نامه روز قلم

هنر قلمدان

نامه‌ای از قلم

چگونه باید بنویسیم؟

جایگاه روز قلم و اهل قلم

عواملی که در بهتر نوشتن به ما کمک می‌کنند

فهرست مطالب:

پیوند

۲.....نون والقلم و مایسترون

طنز مزه

۳.....نامه‌ای از قلم

کافه شعر

۴.....قلم پاکزاد

ریپورتستان

۴.....هنر قلمدان

پژوهشکده

۵.....جایگاه روز قلم و اهل قلم

۶.....ترس از نوشتن

عواملی که در بهتر نوشتن

به ما کمک می‌کنند

کافه داستان

۹.....برگه‌های کتاب داخل کفش

اینفوگرافیک

۱۰.....چگونه باید بنویسیم؟

کارتون‌نگار

۱۱.....قلمدار



صاحب امتیاز:

انجمن علمی - دانشجویی علم اطلاعات و

دانش‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

زیرنظر: اداره کل امور فرهنگی دانشگاه الزهراء(س)

مدیر مسئول: زینب محبی کلهری

zeinab.m12344321@gmail.com

سردبیر: معصومه احمدی

masoomehahmadi14@gmail.com

هیئت تحریریه: هاجر خدایی، معصومه احمدی،

زهره کاظم زاده، زهراسادات ریحانی، مبینا دربهشتی

همکاران این شماره: سمیه توده‌خیلی، کوثر رستمی

ویراستار: مریم امرایی

تصویرگر: مریم عباسی

کاریکاتوریست: حسن صابری

اینفوگرافیست: فاطمه مرادی

طراح و صفحه‌آرا: مرضیه انبری

طراح لوگو: سیدمحمدحسین هاشمی

با تشکر از مشاوران نشریه: دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی،

مریم امرایی

کارشناس نشریه: زهرا وزیری

چاپ و صحافی: دامون

لیتوگرافی: دامون

نشانی: تهران، میدان ونک، دانشگاه الزهراء(س)، ساختمان معاونت

فرهنگی-اجتماعی، اتاق نشریات.

تلفن: ۸۸۰۵۶۹۰۸

ص.پ: ۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶۴

وبلاگ نشریه: www.kismag.blogfa.com

کانال تلگرام و سروش: knowledge_courier@

کانال اینستاگرام نشریه: knowledge_courier@



نون والقلم و مایسترون

بی‌گمان قلم یکی دیگر از ناب‌ترین نعمت‌هایی است که خداوندگار موهبت برخوردار از آن را درس‌نویشت ما به ارج نهاده است تا دانشمندان و نویسندگان از طریق این پل رسالت عظیم خویش را به جامعه انسانی به یادگار بگذارند، و عرصه گاهی بسازند برای نمایش چشم اندازه‌ها و تصورات بشری.

این رقص قلم است که به تراوشات درکنج ذهن دم مسیحایی می‌دهد و تعبیری چون عشق و محبت را رنگ می‌دهد، و برای مخاطب به ارمغان می‌آورد.

این قلم است که به یاری تشنه کامان آمده تا راهی باشد برای حفظ ذخایر گویاترین سخن‌ها و انتقال آن به نسل‌های آینده.

چه بسیار ارزش نکویی است این قلم!

جولانگاه نشر معارف و میراث‌دار اندیشه‌ها و رویش نگرش‌ها و بحق که به گفته امام صادق (ع): جان و دل و روح انسان، بر نوشتار تکیه کرده، و بدان آرام و اطمینان می‌یابد.

چه بسیار زیبا مسئولیت خویش پس از تعیین ادا داشته، چرا که امام علی (ع) در این باره فرمودند: «زکات دست، بذل و بخشش از نعمت‌هایی است که خدا به تو ارزانی داشته، و جنبانیدن آن است به نگارش دانش‌ها و بهره‌هایی که مسلمانان از آن در راه فرمانبری خدای بزرگ بهره‌مند شوند». سپاسگذار و قدردان این هدیه الهی باشیم.

پایدار باشید

معصومه احمدی - سردبیر



طنز مزه:



نامه‌ای از قلم

ردیف خلال دندان و چوب‌بستنی قرار داده‌اید، و می‌گویید قلم خارجی نباید باشد، و ما خودمان داریم، و خودمان تولید می‌کنیم! بفرمایید اگه قلم خارجی نباشد آش شله‌قلمکار خورهای حرفه‌ای، چه خاکی بر سر بریزند؟ چطور پز گوشت خارجی آش را بدهند؟ اصلاً خوردن قلم دنیا دیده که حداقل یک سفر خارجه هم داشته بهتر است یا خوردن قلمی که در حسرت صندلی جلو، غزل خداحافظی را خوانده است؟

ای کسانی که سیاه‌نمایی می‌کنید و می‌گویید: «چرا قلم از خارج وارد می‌شود؟ مگر ما خودمان نمی‌توانیم قلم تولید کنیم؟»

معلوم است که قلم باید خارجی باشد! اصلاً لذتی که در خوردن قلم گوشت قرمز وارداتی دولتی هست در قلم داخلی با سه برابر قیمت نیست. تازه! گوسفندهای خارجی علاوه بر اینکه علف‌های خارجی خورده‌اند، آنقدر کلاشان بالاست که مسیر کشور خودشان تا ایران را هم با هواپیما آمده‌اند! این نشان می‌دهد سطح آرزوهایشان هم خیلی بالاتر از بیعی ایرانی‌ست که نهایت آرزویش نشستن در صندلی جلوی نیشان وانت زامیاد کار کرده آبی رنگ هست که پشتش هم نوشته شده باشد: «بیعی دارم شاه نداره.»

شما ما را با این همه نقشی که در کارآفرینی داریم در

زهرا کاظم‌زاده (دانشجوی کارشناسی مهندسی فناوری اطلاعات، دانشگاه ارشاد دماوند، ورودی ۹۶).

ZKz304@gmail.com



ریپورتان:

کافه شعر:

هنر قلمدان

آرام اندکی دیده برهم می‌گذاریم و می‌رویم به دنیای بی‌کتابت، دنیای بدون قلم! با نگاه گوشی چشمی به پیش از اسلام: نقاشی‌های روی کتیبه سنگی‌ها، سنگ نوشته‌ها پیش از آنکه خط و کتابت مجذوب شود هنر پیکر تراشی است که دیده را متوجه خود می‌سازد.

برسیم به دنیای پس از اسلام: آن زمان که جبرئیل ندا داد «الذی علم بالقلم» یعنی اینجاست آغازی نو برای قلم. آری هم اینجاست که قلم ارزش جایگاه خود را وامدار این موهبت دانست.

هم اینجاست که دیده‌ها تماشاگر به خود قلم‌اند و نه هیچ واسطه‌ای دیگر.

اینکه بعد از اقرار، علم آمد معنا می‌شود که ادامه رسالت باقلم است، یعنی نگاشتن است راز ماندگاری.

با گزیده سخن رهبر معظم انقلاب می‌شود گفت ابتدا: «شاعر کسی است که با هیجانات روحی و دریافت‌ها و درک‌های معنوی سروکار دارد.

خصوصیات شاعر این است، اقتضاء لطافت شاعر همین است و خیلی راحت می‌تواند این معارف را درک کند.»

«خدای متعال قدرتی به شاعر عطا می‌کند و عطا کرده است که بتواند با ترکیب حروف و کلمات و با موسیقی

متناسب، در لباس شیوایی و اثر گذاری، افکار خودش را، احساسات خودش را، دلتنگی‌های خودش را بیان کند، شعر

این است.»

چه زیباست وظیفه خلق احساسات با سرودن اشعار و نثرها به انواعی از سبک‌ها در قالب هنر نگاشتن.

خوش به حال قلم

قلم پاکزاد

گاه به قصر می‌بری
گاه به باغ مش عباد
گاه بنویسی ز عشق
گاه بدهی سر به باد
گاه تو تحسین کنی
گاه بکنی انتقاد
گاه بدست شاعری
گاه بدست میر عماد
ناقل تاریخ تویی
گاه ز غم و گاه شاد
با تو بشر آموخت
روی ورق‌ها سواد
روی خطابم به توست
ای قلم پاکزاد

کوثر رستمی چهارقلعه (دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اطلاعات، دانشگاه الزهراء شعبه ارومیه)، ورودی ۹۷،

Rostami.k93.is@gmail.com



معصومه احمدی (دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه الزهراء، ورودی ۹۸)،

masoomehahmadi14@gmail.com



جایگاه روز قلم و اهل قلم

هنرمند توقع دارد از سوی مسئولان و متولیان امور فرهنگی مورد عنایت و حمایت قرار گیرد. جامعه ما اسلامی است و هنرمند مسلماً با قلمش با مردم سخن می‌گوید، و حرف دل مردم را بیان می‌کند او سعی می‌کند فرهنگ عموم را به گونه‌ای متحول و متعالی سازد که رفته رفته اندیشه‌های نو در ذهن‌ها جریان پیدا کند، و مردم به یک رفاه نسبی برسند اما دولتمردان چقدر به زندگی اجتماعی او بها می‌دهند؟ آیا کسی می‌داند که هنرمندان در چه بحران معیشتی به سر می‌برند؟ آیا اینکه تنها یک روز در سال را به عنوان روز قلم در نظر بگیریم به نظر کارمان را مقابل این قشر انجام دادیم؟ (خسروی، ۱۳۸۳).

با نگاهی به سالنامه در خواهیم یافت که تعدادی روز ملی در

به نام خدایی که در این نزدیکی است.

اگر بخواهیم در مورد جایگاه و ارزش قلم بنویسیم همین بس که خداوند در قرآن کریم فرمودند: «ن و القلم و ما یسطرون.» از این موضوع درمی‌یابیم که شرافت و قداست قلم بسیار بیشتر از آن است که در ذهن بشر جا بگیرد و بتواند ارزش واقعی آن را به زبان بیاورند.

هر انسانی می‌تواند قلم در دست بگیرد، و شروع به نوشتن آنچه که در ذهن می‌پراند بکند ولی آیا همه انسان‌ها می‌توانند ارزش واقعی این قلمی که مورد تکریم خداوند است را به جا بیاورند؟ آیا همه انسان‌ها لیاقت این را دارند که



روزهای مختلف ثبت شده است؛ مثل روز ملی نفت و ... شاید نام‌گذاری هر یک از این روزها به‌عنوان روز ملی به علت کم توجهی به امری ارزشمند بوده است، تا اینکه این موارد به نحوی تبدیل به روزمرگی شده‌اند. حال که روزی برای این قشر در نظر گرفته شده است؛ به امید آن هستیم که شاید سالی یک روز به این قشر فرهیخته و مشکلات صنفی آن‌ها و حمایت از آنان ببندیشیم.

باشد که متولیان و مسئولان امور فرهنگی کشور با درک این روز ملی، تاملی به امور صنفی اهل قلم، اعم از شعرا، نویسندگان و روزنامه‌نگاران و ... داشته باشند (خسروی، ۱۳۸۳).

منابع:

۱. خسروی، شمسی (۱۳۸۲). روز قلم و چند نگاه. ادبیات داستانی. ۷۰-۱۶-۱۹
۲. خسروی، شمسی (۱۳۸۳). روز ملی قلم به روایت اهل قلم. ادبیات داستانی. ۸۱-۱۲-۱۶

صاحبان قلم باشند؟

به نظر می‌رسد که جواب ما خیر باشد. انسان‌ها باید مسئولیت گفته‌ها و از آن بیشتر نوشته‌های خود را برعهده بگیرند. نوشته‌ها که جایگاه بالاتری از گفته‌ها دارند، و ثبت می‌شوند و می‌توانند به زندگی و سرنوشت دیگران تاثیرگذار باشند.

صاحبان اصلی قلم، نویسندگانی هستند که با تمام وجود از قلم و هرآنچه که از آن تراوش می‌کند محافظت می‌کنند، و ارزش واقعی آن را متوجه می‌شوند. کسانی که با تمام وجود در جهت کوشش ارتقاء وضعیت فرهنگی و اجتماعی حاضر هستند. وظایف اهل قلم بر کسی پوشیده نیست. به هر حال همه هم و غم کسی که قلم می‌زند، جامعه است. او می‌خواهد مردم به ارتقاء فرهنگی برسند و جامعه به آرامش مطلوب نزدیک شود و همه تلاش او برای دستیابی به یک زندگی خوب انجام می‌شود. اما جای تاسف بار موضوع این جا است که ما وظایف نویسندگان و شاعران را می‌شناسیم اما فراموش کردیم که به وظایف جامعه در قبال این قشر بیانیشیم. باید ببینیم جامعه چه کارهایی را برای هنرمندان انجام داده است.



ترس از نوشتن

پژوهشکده:

است زیرا برای به ثبت و به اشتراک گذاشتن نظرات شخصی تبدیل دانش فردی به دانش اجتماعی و استفاده

از انتقادات و نظرات دیگران، دیدگاه‌ها استفاده می‌شود، و تا زمانی که در اختیار دیگران قرار نگیرد هویت علمی ندارند. (حری، ۱۳۸۸) «نویسنده می‌نویسد زیرا او نیازمند نوشتن است و حال او را بهتر می‌کند.» (نوبخت، ۱۳۹۱) اگر کسی از نوشتن می‌ترسد بهتر است اول ابعاد انگیزشی آن را بالا ببریم و این دلایل وی را به سمت نوشتن سوق داده و وقتی لذتی یکبار چشیده می‌شود. انگیزه انجام دوباره آن بیشتر می‌کند. همین لذت نه تنها ترس وی را از نوشتن از بین می‌برد بلکه باعث نگارش‌های بیشتر او نیز می‌شود در پایان باید گفت اگرچه ممکن است افراد این ترس خود را ناشی از بلد نبودن تنبلی، دوست نداشتن نگارش بدانند. برای رفع این فوبیا از فرد می‌خواهند که برای شروع متنش آخرین جمله‌ای که گفته‌است، را بنویسد. جمله اول، جمله‌های بعد را در پی خود می‌آورد که اگر نیاید به فرد فرصت بیشتری داده می‌شود و حتی از او خواسته می‌شود این روند را در محیط خانه نیز امتحان کند. (Phillips, ۱۹۸۶) یکی دیگر از راه‌های درمان و مواجهه با این فوبیا تشویق کلامی اطرافیان است. (brain, august, o&Wilson, ۱۹۸۱, pp5۲۶) پس خانواده‌ها اساتید همکلاسی‌ها برای از بین بردن این ترس باید فعالیت داشته و هنگام مواجهه با چنین فردی وی را به بیشتر سوق دهند.

منابع

- حری، عباس (۱۳۸۸). آیین نگارش علمی. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور. ص ۱-۶
- صالح، آیتا (۱۳۸۵). اضطراب نوشتن. ادبیات و زبان‌ها: گلستانه. مولف اصلی آنیس ورله. ۶۹-۷۸
- عطری فرد، مهدیه؛ شعیری، محمدرضا؛ رسول‌زاده طباطبائی، کاظم؛ رجبی، مهتاب (۱۳۹۴). مقایسه اثربخشی و ماندگاری سه روش درمان در اختلال اضطراب اجتماعی. روانشناسی بالینی و شخصیت. ۱۵-۳۱
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۷). صورت بندی مسئله سواد دانشگاهی در ایران نظریه ای نو در زمینه نوشتار و اثر دانشگاهی در ایران. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی. ۱-۳۷
- نوبخت، فرشته (۱۳۹۱). از اضطراب و نوشتن. ادبیات و زبان‌ها: گلستانه. مولف اصلی ویرجینیا وولف. ۷۱-۷۲
- IN VIVO EXPOSURE VS. (۱۹۸۱) Brain, mia; agosto, Fernando; Wilson, trence COGNITIVE RESTRUCTURING IN THE TREATMENT OF SCRIPTOPHOBIA. ۵۲۵ - ۵۳۲.
- Phillips J. P. (۱۹۸۶). Essay-writing phobia in undergraduates. Behaviour research and therapy ۶۰۳-۶۰۴.

نوشتن جزو جدایی‌ناپذیر تحصیلات دانشگاهی است. بعضا افرادی هستند که تکالیف نوشتاری و کتبی خود را دیر و یا بی‌حوصله می‌نویسند و حتی ممکن است اصلا ننویسند. شاید این رفتار را ناشی از تنبلی وی بدانید. اما در اینجا به مبحثی خواهیم پرداخت که به رد این تفکر می‌پردازد. به دانشجوی، کارمند و... که گزارش‌های کتبی و تکالیف دوره‌ای و تحقیقاتی خود را نمی‌نویسد، و یا کامل نمی‌نویسد مهر تنبل بودن نزنید و وی را سرزنش نکنید. شاید او بیمار است. این نوع بیماری ذهنی رایتینگ فوبیا و یا به عبارتی ترس از نوشتن نام دارد. ترس از نوشتن عبارتی ناآشنا در لغتنامه‌های آکسفورد و کمبریج و دهخدا و فرهنگ معین ولی از نظر عملکرد رایج، در بین مردم جامعه است. اگر چه بی‌صدا، این ترس نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان وجود دارد، که برای رفع آن، باید شناخته شود. ترس از نوشتن دوگونه است یک آن که شخص در مقابل دیگر افراد نتواند سندی را امضا کند یا نکته‌ای را بنویسد که به آن اسکریپتوفوبیا گویند. (Wilson, agosto, brain, ۱۹۸۱) دو آن که از نوشتن گریزان باشد و نوشتن فرد را دچار اضطراب کند و یا از دیده‌شدن نوشته خود فراری باشد که به آن رایتینگ فوبیا گویند. در اینجا می‌خواهیم از نوع دوم این ترس صحبت کنیم که گریبان‌گیر خیلی از دانشجویان است. این فوبیای پنهانی است، که ممکن است خیلی‌ها متوجه آن نشوند. این ترس که بن بست نویسنده است. معمولا در نویسندگان نوپا مشاهده می‌شود. که ناشی از شرم از دیده‌شدن خطاها و نقصان‌های متن است. (Phillips, ۱۹۸۶)

اضطراب در هنگام نوشتن فقط مختص تازه‌کارها نیست و نویسندگان قهار هم گاهی از این که نتوانند خوب بنویسند مضطرب می‌شوند حال آن که برای رفع این اضطراب به انجام اعمال وسواسی چون: تراشیدن مداد، راه رفتن، یا گوش کردن موسیقی، رفتن به کافه‌ای برای نوشتن و... می‌پردازند که این امر موجب به تأخیر انداختن نوشتن می‌شود. (صالح، ۱۳۸۵) نویسندگان ماهر می‌توانند با حفظ برنامه منظم نوشتن این مشکل خود را رفع کنند. (فیلیپس، ۱۹۸۶) حال آن که آماتورها در این ترس خود دست پا زده و تمسخر و سرزنش اطرافیان را دریافت می‌کنند. اما این پایان راه نیست. بهترین راه حل برای رفع هرگونه اختلال و فوبیایی مواجه‌شدن با خویش است. (عطری فرد و دیگران، ۱۳۹۴)

کسی که ترس از نوشتن دارد باید تلاش کند با ترس خود مواجه شود. و برای مواجهه با خود نیاز به استدلال منطقی و انگیزه و یا پاسخ به این پرسش که چرا باید نگارش کرد و این همه زحمت را متقبل شد؟ بپردازد. نوشتن برای دانشگاهیان بسیار مهم است؛ زیرا به آن‌ها هویت دانشگاهی می‌دهد. نوشتن برای دانشجویان نیز نشان‌دهنده بلوغ فکری و توانایی‌های وی است. علاوه بر این، نوشتن موجب رشد سواد دانشگاهی و تولید دانش جدید می‌شود. (فاضلی، ۱۳۹۷) از ضرورت‌های نوشتن این است که انسان‌ها تمایل به بقا دارند، و نوشتن جزئی جدایی‌ناپذیر از اهل علم است. نوشتن مهم



مینا دربهشتی (دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه قم، ورودی ۹۴)،
mobinadarbeheshti@gmail.com

عواملی که در بهتر نوشتن به ما کمک می‌کنند

جایزه نوبل ادبیات در مورد نویسنده شدن می‌گوید: «برای نویسنده شدن به سه چیز نیاز دارید: مشاهده، تجربه و تخیل، اگر دوتا از این سه ویژگی را داشته باشید، سومی هم پوشش داده می‌شود.» (ناصری، ۱۳۹۶)

۴. نوشتن از تجربه‌های واقعی شخصی:

از تجربه‌های روزانه‌ی خود بنویسید. لازم نیست که حتماً اتفاقات غیرمنتظره و عجیب و غریبی را تجربه کنید تا دست به قلم شوید. خاطرات روزانه را بنویسید و مطمئن باشید با هربار نوشتن جزئیات بیشتری را می‌نویسید، و این به جزءنگری شما کمک می‌کند و دقتتان را نسبت به حوادث بالا می‌برد. گابریل گارسیا مارکز در مصاحبه‌ای با پاریس ریویو، براساس تجربه‌های شخصی خود به نویسندگان جوان توصیه کرد، آنچه را که می‌دانند بنویسند: «اگر از من بخواهید که توصیه‌ای به نویسندگان جوان بکنم، من به آن‌ها می‌گویم که آن چیزی را بنویسند که زمانی برای خودشان اتفاق افتاده، همیشه به راحتی می‌توان تشخیص داد که متن یک نویسنده برخاسته از تجربیات شخصی اوست یا آنچه از دیگران شنیده یا خوانده.»

۵. برای خودتان محدودیت زمانی مشخص کنید:

برای نوشتن هرچه بیشتر وقت به خود بدهید کار برایتان سخت‌تر می‌شود، برای خود یک محدودیت زمانی مشخص کنید که ذهنتان ناخودآگاه به نوشتن و نگارش مجبور شود.

۶. منبع الهام بخش خلاقه خود را بیابید:

شاید برای شما هم رخ داده باشد که تنها در یک گوشه‌ای از خانه تمرکز برای نوشتن دارید و یا حتی ممکن است تنها با یک خودکار ذوق نوشتنتان افزایش یابد. این‌ها همه ابزارها و به طور کلی منبع الهام‌بخش ما هستند، گرترو استین می‌گوید، بهترین ایده کارهایش زمانی به ذهنش رسید که در حین رانندگی به گاوی کنار جاده خیره شد. او تنها ۳۰ دقیقه در روز می‌نوشت و مابقی وقت خود را در اطراف مزارع رانندگی می‌کرد و هرگاه گاو متفاوتی پیدا می‌کرد، به آن خیره می‌شد تا ایده خلاقانه‌ای مناسب روحیاتش به ذهنش خطور کند.

۷. تنها با خودتان رقابت کنید:

سعی کنید در نوشتن سبک خود را پیدا کنید و طبق همان پیش بروید و از مقایسه آثار خود با آثار دیگران دوری کنید البته داشتن حس رقابت‌طلبی تاحدودی می‌تواند به بهتر نوشتن شما کمک کند اما باید حواستان باشد که هدفتان از نوشتن را فراموش نکنید. فاکنر در سال ۱۹۵۶ در مصاحبه‌ای با پاریس ریویو گفت: نویسندگان هرگز نباید از

نوشتن مقوله‌ای است که در نگاه نخست شاید ساده به نظر برسد اما برای یک نوشته از میم مقدمه‌اش تا نقطه سر خط پایانی، گاه راه طولانی را باید طی کرد! راهی که اگر درست و سنجیده طی شود سرانجامش یک متن خوب و جذاب می‌شود، که چشم خواننده را نوازش می‌کند. اما مسئله این است که چه عواملی در بهتر نوشتن به نویسنده کمک می‌کنند؟ برای این که خوب بنویسیم ابتدا باید بدانیم که برای چه می‌نویسیم؟ آیا می‌خواهیم یک محتوای علمی برای یک نشریه علمی بنویسیم؟ آیا یک وبلاگ شخصی داریم که باید محتوای آن متناسب با وبلاگ نویسی باشد؟ یا در حد یک خاطره نویسی است که برای خود می‌خواهیم بنویسیم؟ با وجود آن که برای نوشتن در هر کدام از این مدل نوشتن‌ها باید یکسری اصول و قواعد مجزایی را رعایت کرد، اما یکسری از نکات هستند که در بهتر نوشتن به هر کدام از این مدل نگارش کمک می‌کنند و قرار است در این مقاله به یکسری از این عوامل اشاره کنیم.

۱. مطالعه داشته باشید:

برای آن که بتوانیم بنویسیم باید دایره لغاتمان تا اندازه قابل توجهی زیاد باشد، و افزایش لغات با «خواندن» ممکن می‌شود. خواندن به معنای یک نگاه گذرا به چند متن در شبکه‌های اجتماعی نیست، بلکه باید با کتاب آشتی کنیم و به کمک آن اطلاعاتمان را به‌طور کامل و بنیادی در رابطه با یک حوزه بالا ببریم. هانتر تامپسون به رونویسی کردن از رمان‌های ارنست همینگوی معروف بود. او این کار را فقط برای شناختن و فرا گرفتن واژه‌ها انجام می‌داد. او از روی رمان‌های «خورشید هم طلوع می‌کند» و «وداع با اسلحه» همینگوی یک دور کامل نوشت به امید این که بتواند معرفت و بینش بت ادبی خود را بیش از پیش درک کند. (بی‌نا، ۱۳۹۹)

۲. یادداشت برداری کردن:

همیشه یک قلم و کاغذ به هنگام مطالعه پیشتان باشد تا هر کلمه یا جمله‌ای که به نظرتان جالب آمد را یادداشت کنید. گاهی می‌شود که از یک کلمه موجود در یک کتاب شما می‌توانید یک موضوع جدید برای نوشتن مطلب پیدا کنید.

۳. برای نوشتن ابتدا آزاد و رها از اصول و قواعد نگارشی بنویسید:

هنگام نوشتن کلید تخیل پردازیتان را روشن کنید تا می‌توانید تمام کلمات موجود در ذهنتان را روی کاغذ پیاده کنید. ویلیام فاکنر نویسنده سرشناس آمریکایی و برنده

پژوهشگره:

کاری که انجام داده‌اند راضی باشند. نوشته‌ها هرگز به آن خوبی که باید باشند از کار در نمی‌آیند. خود را با مقایسه کردن‌های بیهوده با پیشینیان و معاصرانتان عذاب ندهید. فقط سعی کنید از خودتان بهتر باشید. (بی‌نا، ۱۳۹۹)

۸. متن خود را بلند بخوانید:

برخی از نکات هستند که در بلند خواندن مطلب برای شما مشخص می‌شود برای مثال: متن شما طبیعی به نظر می‌رسد؟ به نظر نمی‌رسد که ربات‌ها آن را نوشته‌اند؟ جملات شما آن قدر بلند هستند که نمی‌توانید تماشای یک نفس بخوانید؟ غلط املایی یا کلمات اضافه پیدا کردید؟ اگر بله، آنها را درست کنید و دوباره بخوانید. (ناصری، ۱۳۹۶)

۹. هنگام پاک‌نویس کردن، دستورات نگارشی و ویرایشی را رعایت کنید:

زمانی که کلمات موجود در متن‌تان هر کدام جای مخصوص به خودش را پیدا کردند و خود فهمیدید که قرار است چگونه و به چه شکل ادامه دهید باید ساختار بندی متن‌تان طبق اصول نگارشی باشد.

منابع

ناصری، الهام (۱۳۹۶). تقویت مهارت نوشتن با ۱۰ توصیه ساده و کاربردی. بازیابی شده در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۹ از <https://www.chetor.com>

بی‌نا (۱۳۹۹). ۱۳ توصیه در نوشتن رمان از زبان نویسندگان بزرگ جهان. بازیابی شده در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۹ از <http://www.iranart.news>

زهراسادات ریحانی
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اطلاعات دانشگاه قم
Reihanizahra25@gmail.com

زهراسادات ریحانی (دانشجوی کارشناسی ارشد،
گرایش مدیریت اطلاعات، دانشگاه قم)،
Reihanizahra25@gmail.com



برگه‌های کتابِ داخلِ کفش

حالا من هم بالای این انشاء نوشته ام: « برای نویسنده‌ای که دوستش دارم»

می‌خواهم یک چیزی به شما بگویم که حق دارید دلتان بشکند. راستش را بخواهید مادرم قرار بود ماه گذشته برایم کفش بخرد ولی چون حقوق بابا را نریختند، و انگاری صاحب کارش اذیت می‌کند تازگی‌ها، مادرم گفت فعلا نمی‌توانم کفش نو داشته باشم. کفی این کفش‌هایم خراب شده است؛ یعنی پایم را می‌زند. مادرم هم چند هفته پیش، کتاب شما را ناگهان پاره پاره کرد، و برگه‌ها را فشار داد داخل کفش‌هایم تا کمتر پاهایم اذیت شوند.

البته مثل کفش نو نمی‌شود ولی باز هم خوب شده است. من شما را خیلی دوست دارم آقا یا خانم نویسنده، قول می‌دهم یک روزی اسم شما را پیدا کنم. البته از مادرم هم چند بار پرسیدم ولی می‌گوید یادش نیست. دعا کنید تا یادش بیاید، و من بروم یک جلد نو از کتاب شعر شما را بخرم. امیدوارم روزی شما را بینم تا معذرت خواهی کنم. بخدا مادر من آدم بدی نیست. خیلی هم خانم فهمیده‌ای است ولی در خانه جز آن کتاب شما و کتاب‌های درسی من کتابی نبود تا مادرم برگه‌هایش را پاره کند، و فشار دهد داخل کفش من. کتاب‌های مدرسه‌ام را که نمی‌شد دست بزنند؛ چون آقا معلم دعوا می‌کند، و می‌گوید باید همیشه کتاب‌هایتان را جلد شده و تمیز نگه دارید. شما را قسم می‌دهم که مادرم را ببخشید که کتاب شعر شما را پاره کرد و ببخشید که من پاهایم را روی برگه‌های کتاب شعر شما می‌گذارم.

وقتی بزرگ شوم حتما می‌روم جایی کار می‌کنم که صاحب کارم اذیتم نکند و حقوقم را سر وقت بدهد تا کفش‌های کهنه بچهام، پاهایش را اذیت نکنند، و نرسد روزی که بچهام یا مادرش مجبور شوند کتابی را پاره کنند و برگه‌هایش را فشار دهند توی کفش...

بخدا من می‌دانم نویسنده‌ها خیلی زحمت می‌کشند و کتاب می‌نویسند و باید همه کتاب‌های نو و حتی کهنه را دوست داشته باشیم و آن‌ها را پاره نکنیم.

حتما می‌بخشید ما را ؟

امضا؛ سرابی

کلاس چهارم الف



هاجر خدایی (دانشجوی کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، ورودی ۹۷)،

hajarkhodaie@gmail.com

زنگ انشاء بود و معلم پای تخته نوشت: « برای نویسنده مورد علاقه خود، نامه بنویسید»

سر و صدای پسر بچه‌های دبستانی بلند شد و انگار می‌خواستند از زیر بار نوشتن در بروند، ولی وقتی که دیدند آقا معلم با جدیت نگاهشان می‌کند، حساب کار دستشان آمد. معلم به دانش آموزان نگاه می‌کرد، و هریک مشغول نوشتن شده بودند. روی صندلی نشست و در حالی که در گودی صندلی تقریبا نرم و کهنه‌اش فرو رفته بود، با خودکار بیک آبی رنگی که جوهرش تقریبا ته کشیده بود ولی هنوز قدرت نوشتن داشت، دانش آموزانش را از روی چهره، حضور و غیاب می‌کرد. یکی از دانش آموزان رفته بود زیر نیمکت و معلم

ناگهان صدایش زد: «سرابی؟»

دانش آموز که با شنیدن فامیلی‌اش هول شده بود، خطاب به معلم گفت: «بله آقا؟»

معلم: «اون زیر چیکار می‌کنی؟»

پسر بچه آنقدر هول شده بود که سرش خورد به لبه نیمکت و ناگهان ایستاد و گفت: « کفش‌هامونو درآورده بودیم آقا، آخه برای نوشتن انشاء، به یه چیزی لازم داشتیم که داخل کفش‌هام بود...»

معلم که انگار حوصله شنیدن ادامه حرف‌هایش را نداشت، سرش را پایین انداخت، و گفت: «بنشین و بنویس و تا ده دقیقه دیگه باید اولین نفر بیای بخونی» ده دقیقه مثل برق و باد گذشت، و سرابی رفت پای تخته تا انشاء را بخواند:

به نام خدا.

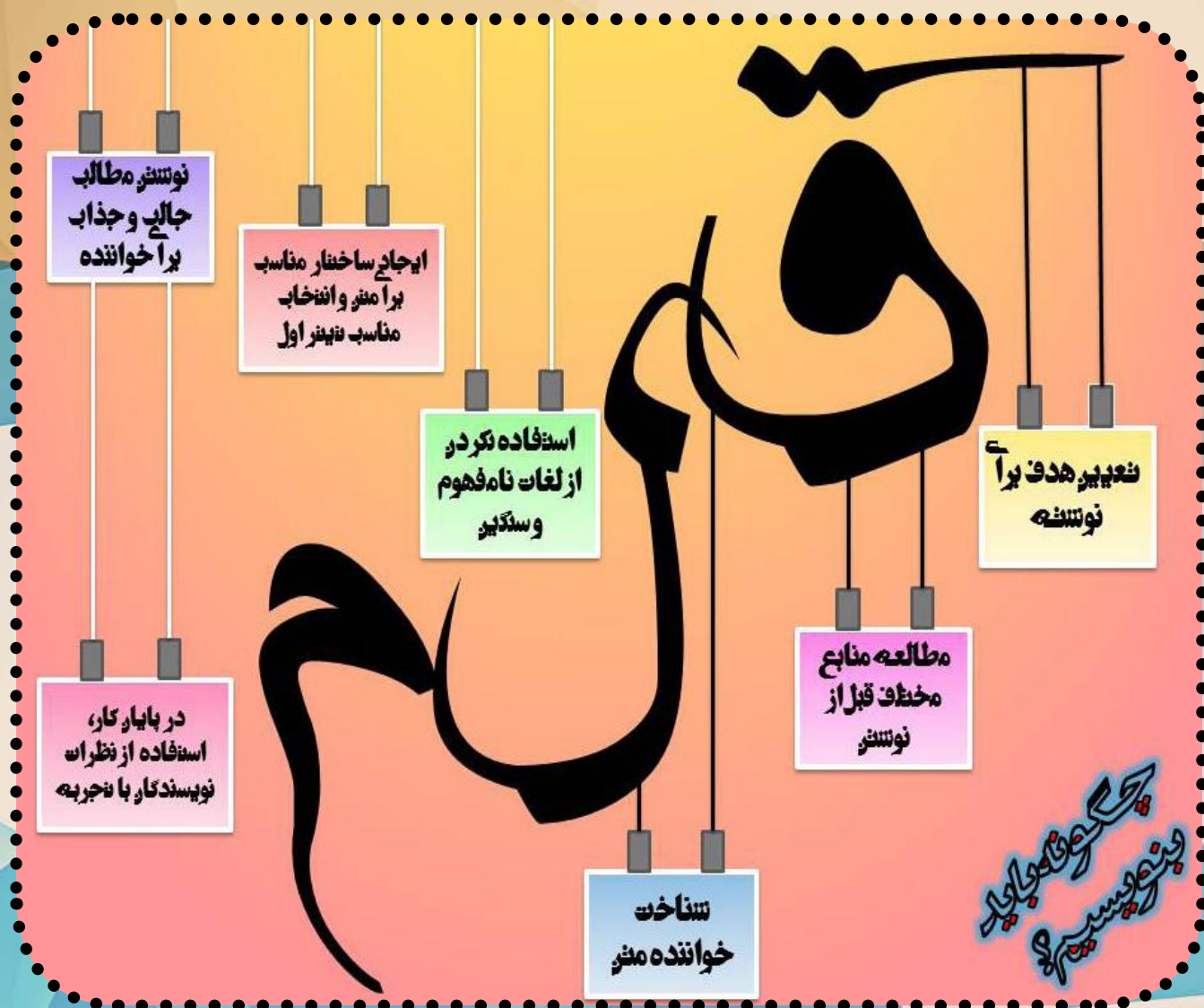
سلام. البته من اسم شما را نمی‌دانم ولی شما نویسنده مورد علاقه من هستید.

امروز سر کلاس، رفتم زیر نیمکت و کفش‌هایم را درآوردم و تلاش کردم تا برگه‌هایی را که مادرم داخل کفشم گذاشته‌است، دربیآورم و اسمتان را پیدا کنم. برگه‌ها بوی پا گرفته‌اند؛ البته خیلی ببخشید. خب بالاخره توی کفش مانده‌اند و بو گرفته‌اند. مادرم یک کتاب داشت که جلد نداشت و خیلی کهنه شده بود، و می‌گفت کتاب شعر است و بعدش می‌گفت من نباید بخوانمشان؛ چون عاشقانه هستند، و شعر عاشقانه که به سن بچه‌ها نمی‌خورد. من اما یک بار خواندم، البته قایمی خواندم. یادم است بالای یک شعر نوشته بودید: « برای کسی که دوستش دارم»

فکر کنم شعر را برای همسرتان نوشته بودید و یا... البته به من ربطی ندارد و مادرم گفته است که نباید فضولی کنم.

اینفوگراف:

چگونه باید بنویسیم؟



فاطمه مرادی (دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، گرایش مدیریت اطلاعات، دانشگاه قم)،
r.f.moradi1373@gmail.com



کار توره نگار:

قلمدار



حسن صابری (دانشجوی رشته مکانیک خودرو،
دانشگاه علمی کاربردی (واحد تهرانسر))،
www.hasan.hs18@gmail.com

